

فوتبال خارجی

وقتی غرور مادریدی در طوفان باسک غرق شد

طلوع یک قهرمان

گاهی فوتبال، فراتر از یک مستطیل سبز و ۲۲یازیکن، به صحنه‌ای برای برپا شدن دادگاه عدالت تبدیل می‌شود. شنبه‌شب در لا کار توخا، جایی که بادهای سوسیل بوی حماسه می‌داد، رئال سوسیداد نشان داد که در دنیای غول‌های ثروتمند، هنوز هم می‌توان با قلب جنگید و با روح پیروز شد. آنها نه فقط یک جام که اعتبار از دست رفته فوتبال اصیل را از چنگال سرخ پوشان مادریدی بیرون کشیدند.

اتلتیکو مادرید با غروری بی‌پایان قدم به این فینال گذاشته بود. آنها همین هفته پیش، در شی که تمام دنیا مات و مبهوت مانده بود، بارسلونای قدرتمند را از لیگ قهرمانان اروپا حذف کرده و به نیمه‌نهایی رسیده بودند. شاگردان سیمونونه با آن خط دفاعی آهنین و ستاره‌های چندده میلیون دلاری‌شان، خود را پادشاه بلامنارخ اسپانیا می‌دیدند. آنها تصور می‌کردند پس از فتح قلعه‌بارسا، عبور از سد سوسیداد تنها یک تشریفات ساده برای بالا بردن جام خواهد بود.

اما فوتبال، درس تلخی به ال چولو و سرسازانش داد؛ هرگز نباید گرسنگی یک تیم برای جاودانگی را دست کم گرفت. سوسیداد، تیمی که در میانه فصل در بحرانی عمیق دست‌وپا می‌زد، شنبه به کوهی از انگیزه تبدیل شد. آنها نیامده بودند که فقط بازی کنند؛ آمده بودند که تاریخ را با دست‌های خالی بنویسند.

همه چیز از همان ثانیه ۱۴ شروع شد. وقتی بارنچیا تور دروازه اتلتیکورا لرزاند، گویسی صاعقه‌ای بر پیکر نیمکت مادریدی‌ها فرود آمد. آن گل، فقط یک امتیاز روی تابلوی نتایج نبوده؛ آن فریاد بلند ایالتی بود که نمی‌خواستست زیر سایه پادشختنشین‌ها بماند. ۱۲۰ دقیقه نبرد خونین، دویدن‌های بی‌امان و نفس‌هایی که به شماره افتاده بود، تنها پیش‌درآمدی بود برای یک ضیافت دراماتیک در نقطه پنتالی.

در ششبی که رئال مادرید و بارسلونا، دو قطب بزرگ فوتبال اسپانیا، حتی رنگ فیتل را هم ندیدند و پیش از این در کوره حوادث جام حذفی سوخته بودند، این بی‌و سفیدهای سن سباستین بودند که پرچم ایستادگی را بالا نگه داشتند. در حالی که غول‌های بزرگ مشغول شمارش درآمدهای‌شان در لیگ قهرمانان بودند، سوسیداد در حال تراشیدن نام خود روی نقره سرد کاپ‌دل ری بود.



و اما پنتالی‌ها... جایی که تپش قلب‌ها از صدای طبل‌های ورزشگاه بلندتر بود. در آن لحظات نفس‌گیر، او نای مارورو یک دروازه‌بان، که یک سد نفوذناپذیر در برابر آرزوهای اتلتیکو بود، او که شاید تا چند ماه پیش کمتر کسی در خارج از ایالت باسک نامش را شنیده بود، با مهار ضربات ستاره‌های نامدار، به کابوس شبانه‌مادریدی‌ها تبدیل شد. هر ششیر چه، او نه فقط برای گرفتن توب، که برای به آغوش کشیدن رویای هزاران هواداری بود که از شمال اسپانیا به سوسیل آمده بودند. وقتی پابلو مارین جوان، باخونسردی یک سرسباز کهنه‌کار، آخرین ضربه را به تور چسباند، زمان برای لحظه‌ای ایستاد. سکوت سنگین هواداران اتلتیکو، در غرش کرکننده‌ایالتی‌ها گم شد.

این قهرمانی، یک پیام روشن برای تمام جهان داشت؛ جام‌ها فروشی نیستند، جام‌ها گرفتنی هستند. امسال نه رئال، نه بارسا و نه اتلتیکوی مغرور، هیچ‌کدام نتوانستند به این جام دست بزنند. سوسیداد با این برد، نشان داد که می‌توان از خاکستر شکست‌های نیم‌فصل برخاست و در مقابل تیمی که بارسلونا را زانو زده بود، قدم کرد. شنبه شب سوسیل شاهد سقوط یک امپراتوری و تولد یک اسطوره بود. اتلتیکو شاید به نیمه‌نهایی اروپا صعود کرده باشد، اما جام قهرمانی کوبا اسپانیا در دستان کسانی بود که با ایمان بازی کردند، نه با کارنامه. سوسیداد حالا قهرمان است؛ نه فقط قهرمان جام حذفی، بلکه قهرمان تمام کسانی که باور دارند در فوتبال، هنوز هم معجزه اتفاق می‌افتد.

امروز در خیابان‌های سن سباستین، خورشید طور دیگری می‌تابد. آنها حالا جامی را به خانه می‌برند که عطر غیرت و طعم پیروزی بر نابربری را می‌دهد. این غود قصه شیی که آبی سوسیداد، سرخ اتلتیکورا در خود غرق کرد. پلگرتینو ماتارازو، معمار بی‌ادعای این رستاخیز، مردی بود که از دنیایی دیگر آمد تا در قلب ایالت باسک، حماسه‌ای نو بنویسد. او زمانی سکان لِرزان سوسیداد را در دست گرفت که سایه مسقوط بر آنوэта سنگینی می‌کرد، اما در کمتر از چهار ماه، خاکستر ناامیدی را به شعله‌های سرکش قهرمانی پیوند زد. ماتارازو با شجاعتی مثال‌زدنی، در نبرد تاکتیکی مقابل شطرنج‌باز کهنه‌کاری چون سیمونونه سربلند خارج شد و ثابت کرد که نبوغ، رمز نمی‌شناسد. او نه صرفاً یک مربی، بلکه کمیابگری بود که ایمان را در روح شاگردانش دمید تا امروز، نام این استراتژیست آمریکایی در تالار افتخارات سن سباستین جاودانه شود.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا

مدیرمسئول: مسعود حیدری

زیرنظر شورای سردبیری

مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

لیگی که تعطیل شد و سوالاتی که بی‌پاسخ ماند

سوت پایان در تاریکی

آرژانتاری

پنجاه روز التهاب، شایعه، جلسات بی‌نتیجه و بلاتکلیفی مطلق، سرانجام در یک بیابانه چند خطی و سرد خلاصه شد: «دامه رقابت‌های لیگ برتر فصل ۱۴۰۴-۰۵ به بعد از پایان بازی‌های تیم ملی کشورمان در جام جهانی موکول شد.» تصمیمی که درگذله اول شاید شبیه به یک مسکن فوری برای عبور از یک بحران مقطعی به نظر برسد، اما با کسبی دقت در لایه‌های پنهان آن، متوجه می‌شویم که مسئولان سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال، تنها صورت‌مساله را پاک کردنده‌اند و با ابتدایی‌ترین و دم‌دستی‌ترین تصمیم ممکن، کوهی از مین‌های خطرناک‌رازیر پای فوتبال ایران کاشته‌اند. با انتشار این اخبار، موجی از سوالات بی‌جواب در ذهن اهالی فوتبال، کارشناسان و هواداران شکل گرفته است؛ سوالاتی که به نظر می‌رسد فدراسیون‌نشین‌ها نه‌تنها پاسخی برای آنها ندارند، بلکه عامدانه پشت‌دیار سکوت پنهان شده‌اند تا از گزند پاسخشگویی در امان بمانند. در این مطلب، به کالبدشکافی این تصمیم عجیب و پیامدهای ویرانگر آن می‌پردازیم.

اولیسن و بزرگ‌ترین توجیه سازمان لیگ برای این تعطیلی طولانی‌مدت، اولویت دادن به تیم ملی، حفظ سلامتی بازیکنان و پیشگیری از آسیب‌دیدگی آنها پیش از آوردگاه بزرگ جام جهانی عنوان شده است. روی کاغذ، این یک استدلال منطقی به نظر می‌رسد؛ اما در دنیای واقعی فوتبال، این تصمیم یک خودزنی تمام‌عیار است. اکنون این سوال مهم مطرح می‌شود: آیا بهتر نبود برای حفظ آمادگی جسمانی و روانی بازیکنان، حداقل بخش کوچکی از مسابقات (به طور مثال چهار یا پنج هفته) برگزار می‌شد تا ملی پوشان در شرایط سخت و واقعی بازی قرار بگیرند؟ تمرین‌های مستمر هر گز نمی‌تواند جایگزین فشار و هیجان یک مسابقه رسمی شود؛ همان‌طور که در منطق فوتبال می‌گویند «یک جلسه مسابقه برابر با ۱۰ جلسه تمرین است.» بازیکنان داخلی تیم ملی مدت‌هاست که از شرایط مسابقه دور بوده‌اند. پرسندان بازیکنانی که ماه‌هاست در هیچ مسابقه رسمی به میدان نرفته‌اند به مسابقاتی در سطح جام جهانی، نه‌تنها محافظت از آنها نیست، بلکه قرار دادن آنها در بالاترین سطح از ریسک مصدومیت و افت کیفیت است. کادرفنی تیم ملی حالا مجبور است اردوهای بلندمدتی برگزار کند که از نظر فرهنگی نیز بازیکنان ایرانی معمولاً میانه خوبی با آن ندارند.

سوال ترسناک بعدی در مورد آینده است. چرا کل بازی‌های باقی‌مانده به بعد از جام جهانی موکول شده؟ آیا مسئولان فدراسیون اساساً در جریان هستند که این تملیار کردن مسابقات، چه فشار خردکننده‌ای به بازیکنان و ساختار فوتبال ایران وارد می‌کند؟ بیابید به تقویم سال آینده نگاهی بیندازیم. در صورت صعود یا عدم صعود تیم ملی، ادامه مسابقات لیگ فعلی احتمالاً از اواخر تیرماه آغاز خواهد شد. تیم‌ها باید هر چهار روز یک‌بار

چپره به چپره

فیفا و کشورهای دیگر در بحران چه تصمیمی گرفتند؟

آینه عبرت

نگار رشیدی

در روزهایی که فدراسیون فوتبال ایران با یک تصمیم ناگهانی تقویم مسابقات را به حالت تعلیق در آورده است، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها به وضعیت قرارداد بازیکنان و تعهدات مالی باشگاه‌ها در این شرایط خاص برمی‌گردد. نگاهی به تقویم بحران‌های جهانی نشان می‌دهد که ما اولین کشوری نیستیم که سایه سنگین جنگ و شرایط اضطراری بر سر لیگ فوتبال مان افتاده است. اتفاقات فاجعه‌ی میان‌نحوه رخ‌خورد نهادهای بین‌المللی با الگوبرداری از کشورهای درگیر بحران و تصمیمات انفعالی فوتبال ایران وجود دارد. این موضوع که در مقررات فیفا برای شرایط‌عادی تعریف شده، در موقعیت‌های بحرانی مثل جنگ یا تعطیلی‌های گسترده، بسیار پیچیده‌تر می‌شود.

فیفا اگر چه دستورالعمل مشخصی برای شرایط جنگی ندارد، اما تجربه دوران همه‌گیری

اتفاق روز

چمدان‌هایی که به نفع ما بسته می‌شوند!

پایان عصر بریز و پباش

نازنین دشتی

در میان دودو غبار ناشی از تصمیمات میهم‌فدراسیون و تعطیلی‌ها مارتان گونه رقابت‌های لیگ برتر تا پس از پایان بازی‌های تیم‌ملی در جام جهانی ۲۰۲۶، شاید بتوان روزنه‌ای از امید پیدا کرد. همیشه گفته‌اند که تاریک‌ترین ساعات قبل از سپیددم است. فوتبال ایران که سال‌هاست به تریق بی‌رویه بودجه‌های دولتی و صنعتی متعادل‌شده بود، حالا با یک شوک بزرگ و یک توقیف اجباری بی‌سابقه روبه‌رو شده است؛ شوکی که شاید همان داروی تلخی باشد که برای درمان این بیمار محضرت نیاز داشتیم.

با توجه به شرایط خاص کشور، کودتورمی شددید و افزایش بی‌سابقه نرخ ارز، دوران پرداخت‌های نجومی و بریز و پباش‌های بی‌رویه در فصل آینده به پایان رسیده است. ستاره‌های خارجی تیم‌هایی نظیر استقلال، تراکتور، سپاهان، پرسپولیس و چادرملو که شالوده اصلی این تیم‌ها را تشکیل می‌دادند، به احتمال فراوان قراردادهای خود را ادامه نخواهند داد و در پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی پیش‌رو، چمدان‌های‌شان را خواهند بست. جدایی یکباره این بازیکنان گران‌قیمت در نگاه اول یک فروپاشی ترسناک برای مدعیان لیگ به نظر می‌رسد؛ اما آیا این خروج دسته‌جمعی، پایان دنیاست؟ قطعانه این دقیقاً همان نقطه عطفی است که مدیران نتیجه‌گرا را خلع سلاح کرده و آنها را مجبور می‌کند به تنها

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپنر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۱۵۸/ دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۴۰۵/ ۱۴۴۷ و دوالقمعه ۲۰/ آوریل ۲۰۲۶



تیم‌های برتر آن زمان، به عنوان نمایندگان ایران برای فصل بعد مسابقات آسیایی معرفی خواهند شد! آیا متوجه عمق فاجعه شدید؟ این یعنی لیگ بیست‌وششم که قرار است با آن فشار خردکننده در سال آینده برگزار شود، علاوه‌هیچ پاداش آسیایی برای تیم‌های برترش نخواهد داشت. تیم‌ها در لیگ آینده باید برای چه چیزی بجنگند؟ برای هیچ! این تیم‌ها در لیگ آسیایی مسابقات رسمی ماهیت و مشروعیت مسابقات سال آینده را زیر سوال می‌برد، چگونه می‌توانید از تیم‌ها و هواداران بخواهید در لیگی سرمایه‌گذاری و رقابت کنند که از پیش مشخص است قهرمانی در آن، هیچ دستاورد بین‌المللی به همراه ندارد؟ این اوج کلی‌سنگی و بی‌سوادی در برنامه‌ریزی ورزشی است.

بامرور تمام این سوالات بی‌جواب، ابهامات مالی، فاجعه تقویمی و تصمیمات خلق‌الساعه در مورد سهمیه‌های آسیایی، تنها یک نتیجه‌گیری منطقی باقی می‌ماند: مسئولان فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ، باز هم طبق عادت همیشگی، دم‌دستی‌ترین و راحت‌ترین تصمیم ممکن را گرفتند تا امروز را به فردا برسانند. آنها به جای ایستادگی، مدیریت بحران، طراحی سناریوهای منعطف (مانند برگزاری بازی‌های بدون ملی‌پوش، اتمام جام حذفی یا تغییر فرمت ادامه لیگ)، ترجیح دادند کل سیستم را خاموش کنند و به تعطیلات بروند. آنها با این تصمیم، شاید از فشار بر نامه‌ریزی در دوران ملتعب فعلی فرار کرده باشند، اما مین‌های ویرانگری را در زمین فوتبال ایران کاشته‌اند که انفجار آنها پس از جام جهانی، ترکش‌هایش تمام باشگاه‌ها بازیکنان و هواداران را زخمی خواهد کرد. فوتبال ایران نیازمند مدبرانی است که در دل بحران راهکار خلق کنند، نه کسانی که با اولین وزش باد سخت، کر کرده‌ها را پایین می‌کشند و پاسخشگویی فرار می‌کنند.

تیم‌های صعودکننده است

گرفت؛ بازیکنان خارجی اجازه یافتند قرارداد خود را یک‌طرفه تعلیق کرده و موقتاً به تیم‌های دیگر بپیوندند، بدون اینکه هیچ جریمه‌ای شامل حال‌شان شود. در آن سوی میدان، روسیه مسیر متفاوتی را تجربه کرد. برخلاف او، کراین، لیگ در روسیه متوقف نشد و مسابقات ادامه پیدا کرد. اما ترکش‌های جنگ، باشگاه‌های روس را از رقابت‌های اروپایی کنار گذاشت و ارزش اقتصادی لیگ به شدت پایین آمد. در آنجامم جالش اصلی، وضعیت بازیکنان خارجی بود. قیفا به آنها نیز اجازه داد قراردادشان را به صورت یک‌طرفه تعلیق موقت کنند، نه اینکه آن رافسخ کامل کنند.

حالا بازیکنان هم گذاشتن این تجربه‌های جهانی، کاملاً مشخص است که در شرایط فعلی، هیچ راه‌حل ساده‌ای برای فوتبال ایران وجود ندارد. از یک‌سو حفظ یکپارچگی لیگ اهمیت دارد و از سوی دیگر، واقعیت‌های اقتصادی و شرایط خاصی کشور، تصمیم‌گیری را بسیار دشوار می‌کند. آنچه ماندن روز روشن است، این است که بدون توافق شفاف و دو‌جانبه بین باشگاه‌ها و بازیکنان، پرونده‌های شکایتی متعددی می‌تواند به قیفا کشیده شود. هر تصمیمی در این محاکم، تبعات فنی و مالی قابل توجهی برای باشگاه‌ها و ریسک‌سته‌ما خواهد داشت.

در نهایت باید دید مدیران فوتبال ایران با توجه به این الگوهای بین‌المللی، چه مسیری را برای تعیین تکلیف قراردادها انتخاب خواهند کرد؟ یا همچنان، به سکوت و بلاتکلیف گذاشتن باشگاه‌ها ادامه می‌دهند، یا سرانجام با الگوبرداری از مدیریت بحران در جهان، چارچوبی حقوقی و حمایتی برای جلوگیری از فروپاشی تیم‌ها در دوران پاسخ‌گجانهی ارائه خواهند داد؟

تیم‌های صعودکننده است

یک باشگاه صنعتی آسیب می‌بیند، دیگر خبری از چک‌های سفیدامضای برای جذب بازیونرها و ستاره‌های اسمی نیست. بسیاها، به همراه فولاد خوزستان، همواره به داشتن بهترین آکادمی‌های فوتبال در ایران یالیده‌اند. با این حال، آنها سال‌هاست که در کورس رقابت، به‌جای استفاده کامل از محصولات خود، ترجیح داده‌اند و برترین تیم‌شان را با خریدهای میلیاردری پر کنند. اما حالا که جیب کارخانه‌ها خالی شده و مدیران از عدم توان پرداخت مطالبات خبر می‌دهند، این باشگاه‌ها راهی جز بازگشت به ریشه‌ها ندارند.

بحران فعلی، مدیران و مربیان را در یک‌مگننه‌مبارک قرار داده است. آنها دیدیگر بولی برای خرید ستاره‌های دلاری ندارند و مجبورند به بازیکنان جوان و پدیده‌هایی اعتماد کنند که تا

دبروز پشت خط‌نمان‌های بزرگ می‌پوسینند. بازی‌دادن به جوانان آکادمی، نه‌تنها هزینه‌های سرسام‌ور باشگاه‌ها را به شدت کاهش می‌دهد، بلکه یک چرخه اقتصادی سالم و جدیدرا خلق می‌کند. بازیکن جوانی که از آکادمی به تیم بزرگ‌سالان می‌رسد و در کوران مسابقات پخته می‌شود، در آینده‌ای نزدیک به یک هدف جذاب در بازار تبدیل خواهد شد. باشگاه‌هایی که تا دیروز فقط مصرف‌کننده بودند، حالا با فروش این پدیده‌های جوان به تیم‌های خارجی، می‌توانند به معنای واقعی کلمه درآمدزایی کنند و روی پای خود بایستند.

تعطیلی لیگ و فرار ستاره‌ها شاید در ظاهر یک ترازوی و چالشی کم‌سابقه به نظر برسد، اما در باطن، یک سیلی محکم و بیدارکننده به فوتبال ایران بود. بحرانی که دست‌مدیران را از بودجه‌ایی بی‌حساب کوتاه کرد تا شاید برای اولین بار، از روی اجبار هم که شده، به‌سازندگی، تولید بازیکن و اعتماد به جوانان روی بیاورند تا در آینده صدای رستاری در دفاع از حقانیت خود در زمین مسابقه داشته باشند. این جنگ و این تعطیلی، شاید همان جرعه‌در دناکی بود که برای سوزاندن علف‌های هرز و رویدیدن دوباره فوتبال اصیل ایرانی به آن نیاز داشتیم.

ارزی دست و پنجه نرم می‌کنند، کمیته تعیین وضعیت اصرار دارد که وقفه لیگ لیلی بر عدم پرداخت مطالبات نیست. از سوی دیگر، سال مالی باشگاه‌ها معمولاً در خرداد یا تیر بسته می‌شود. انتقال هزینه‌های هنگفت این فصل به سال مالی آینده، ترازنامه‌های مالی باشگاه‌ها را ویران کرده و در یافت مجوز حرفه‌ای AFC را به یک رویای دست‌نیافتنی تبدیل می‌کند. فدراسیون باشگاه‌ها را در یک بن‌بست حقوقی و مالی رها کرده است تا خودشان در دادگاه‌های قیفا تاوان بدهند.

در میان تمام این هیاهوها، عجیب‌ترین اتفاق، پایکوت کامل خبر مربوط به جام حذفی است. تورنمنتی که به حساس‌ترین مقطع خود یعنی مرحله یک‌چهارم نهایی رسیده و هشت تیم برتر آن مشخص شده‌اند. چرا مسئولین هیچ صحبتی در مورد این تورنمنت نمی‌کنند؟ آیا قرار است جام حذفی بی‌سروصدای فروپوشد؟ از این تورنمنت تنها هفت مسابقه باقی‌مانده تا چهره قهرمان مشخص شود. آیا بهتر نبود فدراسیون به جای تعطیلی مطلق، حداقل این هفت مسابقه را برگزار می‌کرد؟

درست است که تیم‌های حاضر در این مرحله ملی‌پوش دارند و راضی کردن آنها برای بازی بدون ستاره‌های‌شان دشوار است، اما بلاتکلیف رها کردن یک تورنمنت رسمی که سهمیه مستقیم آسیایی دارد، اوج بی‌برنامگی و بی‌احترامی به تیم‌های

صعودکننده است.

بخش تراکت و جنجالی ماجرا، اظهارات دشویر کل فدراسیون فوتبال است. او رسماً اعلام کرده که اگر AFC با تمدید مهلت معرفی نمایندگان مخالفت کند، فدراسیون ناچار است تیم‌های بالای جدول فعلی را به عنوان سهمیه‌های ایران در آسیا معرفی کند. بر این اساس، سپاهان که با شایستگی صدرنشین فعلی رقابت‌هاست،

کرونا نزدیک‌ترین الگوبرای چنین موقعیت‌هایی محسوب می‌شود. در آن دوران تاریک، این نهب بین‌المللی تلاش کرد با ارائه چارچوبی منصف، تعادل میان منافع باشگاه‌ها و بازیکنان را حفظ کند. مهم‌ترین تصمیم فیفا در دوران کرونا این بود که پایان قراردادها با پایان واقعی فصل هماهنگ شود، نه تاریخی که از پیش تعیین شده بود. به این معنا که اگر لیگی به تعویق افتاد، قرارداد بازیکنان نیز به‌طور خودکار تا پایان فصل تمدید ناظمر، رقابت‌ها حفظ شود. حتی قراردادهایی که قرار بود از ابتدای فصل جدید آغاز شوند، به تعویق افتادند تا بازی‌مان واقعی شروع فصل هماهنگ شوند.

اما شایهت تصمیمات فیفا، توصیه به توافق به‌جای تقابل بود. در واقع به‌جای تصمیم‌گیری یک‌طرفه، از طرفین خواسته شد تا با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و واقعیات موجود، به راه‌حل‌های مشترک برسند. مواردی مانند کاهش یا تعویق دستمزدها، بررسی حمایت‌های دولتی و استفاده از پوشش‌های بیمه‌ای به عنوان ابزارهای قابل استفاده در این چارچوب مطرح شدند.

برای درک بهتر شرایط فعلی، بررسی لیگ‌هایی که واقعاً درگیر جنگ‌شده‌اند، تصویر دقیق‌تری به‌ما می‌دهد. در اوکراین، با آغاز جنگ، لیگ با فاصله متوقف و فصل نیمه‌تمام اعلام شد. با این توقف مطلق، در آمد باشگاه‌ها تقریباً به صفر رسید و بسیاری از بازیکنان خارجی، کشور را ترک کردند. در این بن‌بست ناپذیر، کنده‌اصل حقوقی «فورس مایور» (شرایط خارج از کنترل) مبنای تصمیم‌گیری قرار گرفت. نتیجه این شد که برخی قراردادها با توافق طرفین تعلیق یا تعدیل و اجزای برخی دیگر عملاً غیرقابل اجرا شد. فیفا نیز برای نجات ستاره‌های گرفتار شده، یک تصمیم ویژه و تاریخی

